بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## امنیت برای رشد

هر پیشرفت دیگری متوقّف به امنیّت است. اگر امنیّت نباشد، پیشرفت علمی هم نیست، پیشرفت صنعتی و اقتصادی هم نیست؛ اگر امنیّت نباشد، آرامش و اطمینان و سکینه‌ روحی در مردم وجود ندارد. در فضای ناامن، آرزوهای بزرگ و آرمان‌های درخشان، در ذهن‌ها فراموش می‌شود؛ همه به فکرِ حفظِ امنیّتِ جانِ خود هستند. وقتی در کشور امنیّت هست، آن‌وقت این یک عرصه‌ای است، یک بستری است برای رشدِ همه عناصرِ رشدِ یک کشور و عناصر پیشرفت یک کشور.

امام خامنه‌ای، 03/08/1396

# برای دوستم چی بفرستم؟

یکی از پنج نشانه مؤمن زیارت اربعین است.

یادت نره!

با پای پیاده یا پای دل

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری

## خرمشهر را خدا آزاد کرد

علاقه زیادی به شهید ابراهیم هادی داشت. همیشه جلوی موتورش یک عکس بزرگ از شهید ابراهیم هادی داشت. در خصلت‌ها خود را خیلی به ابراهیم نزدیک کرده بود. وقتی شخصی از زحمات او تشکر می‌کرد، می‌گفت: خرمشهر را خدا آزاد کرد! یعنی من کاری نکرده‌ام؛ همه‌کاره خداست.

مدافع حریم اهل‌بیت، شهید محمدهادی ذوالفقاری

# یک پیشنهاد

## آفتاب صفین

**رمانی برای نوجوانان**

اثر حاضر توصیفی است از جنگ «صفین» و عملکرد «امام علی» (ع) در این جنگ که با رویکردی ادیبانه ارائه شده است. نویسنده ابتدا به مقدمات و اموری اشاره دارد که باعث به وجود آمدن جنگ صفین شد. سپس نوبت به شرح ماجرای صفین می‏رسد. شجاعت‌های علی (ع) و یاران بااخلاص آن حضرت در این جنگ و نیز تدابیر جنگی وی در طول جنگ صفین به همراه توطئه‌ها و ترفندهای شیطانی معاویه و عمرو عاص برای کشاندن جنگ به حکمیت و نتیجه معکوس جنگ صفین از مباحث عمده و اصلی این رمان است.

نویسنده: غلامرضا آبروی،  مؤسسه انتشارات حضور، قطع رقعی، چاپ دوم:  1393،  176 صفحه، 5500 تومان

# دانستنی‌ها

## حس خوب لواشکی

وقتی صحبت از لواشک‌های سالم و خانگی، آلوچه و حتی قره‌قروت می‌شود، احتمالاً دهانتان آب می‌افتد. می‌دانید چرا؟ فکر می‌کنید بروز این حالت، یک تلقین است یا سازوکاری برای ایجاد آن وجود دارد؟

قسمتی از دستگاه عصبی ما به نام لیمبیک، مربوط به احساس لذت است و با یادآوری خاطرات تلخ و شیرین، فعال می‌شود و همان احساسی که در آن زمان خاص در بدن ما رخ می‌دهد، با یادآوری‌اش هم اتفاق می‌افتد. به عنوان نمونه، کسی که معتاد است با دیدن یک سوزن هوس می‌کند سراغ مواد برود! مغز با دیدن یا شنیدن نام خوراکی‌های ترشی مانند لواشک یا حتی به یادآوردن آن‌ها، تحریک می‌شود و دستگاه گوارشی را فعال می‌کند و به همین دلیل، ما با دیدن و شنیدن نام خوراکی‌های ترشی مانند لواشک، دهانمان آب می‌افتد.

# حکایت

## دوباره شروع می‌کنم

کارخانه‌دار در یک آتش‌سوزی کارخانه‌اش را از دست داد.

بیمه پول ناچیزی بابت این حادثه، به او داد.

مرد در حالی که تمام زندگی‌اش دود شده بود، گفت: «این فاجعه با ارزشی است! چرا که همه اشتباهات من در آن سوخت. خدا را شکر، می‌توانم دوباره شروع کنم!»

# مهارت‌های تحصیلی

## هنر خوب شنیدن

خوب شنیدن یک مهارت اصلی است و یکی از کلیدهای کسب موفقیت به شمار می‌رود. خوب شنیدن گام نخست درک کردن است.

وقتی خوب بشنوید و مطالعه هم داشته باشید، می‌توانید در کار کلاسی شرکت کرده و طرح سؤال نمایید.

بهتر است برای خوب شنیدن مطالب به معلم نزدیک باشید و از نشستن در ردیف‌های جلو خجالت نکشید! تجربه نشان داده است هر چه به ردیف‌های انتهایی کلاس نزدیک باشید، تمرکز کمتری داشته و بیشتر شیطنت خواهید کرد زیرا علاوه بر خوب نشنیدن صدای آموزگار از زاویه دید وی هم دورتر بوده و از لحاظ انضباطی حاشیه امنی برای خود حس می‌کنید!

# یادداشت اول

##  اربعینت را وسعت بده

ظاهرش یک سفر ساده است که شاید تنها تفاوتش پیاده بودنش باشد. ولی همین سفر ساده، چه دل‌هایی را تکان داده و چه جان‌هایی را که آتش زده. اینکه چند روز همه چیز را به امام می‌سپاری تا او مدیریت کند لذتش باورنکردنی‌ست. کجا بخوابی یا چه بخوری یا... . در این مسیر، سختی زیاد است ولی جنسش فرق می‌کند. کسی حاضر نیست لحظه‌ای راحتی ماشین‌سواری را با سختی پیاده‌روی عوض کند!

**حالا اگر هر فردی سفر اربعینش را از آن چند روز وسعت ببخشد به اندازه عمرش و ملاقات خدا را جایگزین ملاقات حجتش کند، می‌بیند که سفر دنیا همان سفر اربعین است در ابعاد بزرگ‌تر**. در واقع در سفر اربعین، مؤمنان هجرت می‌کنند به سوی حسین علیه‌السلام تا هجرت به سوی خدا را تمرین کرده باشند و آماده ملاقات حضرتش شوند.

# احکام

## تو هم بگو

موقع اذان به مسجد رسیده و بی‌کار نشسته است. در حالی که بهتر است موقع شنیدن اذان، جملات آن را تکرار کند.

متن دقیق رساله:

كسى كه اذان و اقامه ديگرى را مى‏شنود، مستحب است هر قسمتى را كه مى‏شنود بگويد. ولى در حكايت اقامه كه از ديگرى بشنود از «حى على الصلاة» تا «حى على خير العمل» را به اميد ثواب بگويد.

توضیح المسائل امام، مسئله 927

# در محضر قرآن

## زیارت با ترس و ضرر

**چشم و گوش‌مان با دنیا خو کرده، وگرنه جور دیگری زندگی می‌کردیم.**

\*\*\*

خاک کربلا خار در چشم ظالمان است. بعد از آشکار شدن جنایت وحشیانۀ بنی‌امیه، روز و شبی نبود که عده‌ای راهی کربلا نباشند. بنی‌امیه پاسگاه‌هایی در اطراف کربلا ساختند تا با شدت و خشونت همیشگی، مانع ورود زائران شوند. زوار مجبور می‌شدند که از روستاهای اطراف، پنهانی و شبانه راهی زیارت شوند. ولی اگر به دست پاسبان‌ها می‌افتادند، به‌سختی شکنجه می‌شدند. بنی‌عباس از این هم بدتر بود. مزار حضرت را تخریب کردند. ولی زیارت متوقف نشد. در زمان متوکل، شرط آزادی کسانی که راهی کربلا بودند، قطع دست شد. صف مشتاقان حسین (سلام‌الله‌علیه) طولانی‌تر شد! زنی که دست چپ را برای قطع شدن بیرون آورد، گفت: «دست راست را سال پیش دادم.»

**فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزاءً بِما کانُوا يَعْمَلُونَ[[1]](#footnote-1)**

قطعاً هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهایی که مایۀ خوشحالی آنان است، به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌داده‌اند، برای آنان پنهان داشته‌اند

# در محضر اهل‌بیت

## آقایی در سفر

**آدمیزاد هر قدر آقاتر باشد، در سفر خودش را نشان می‌دهد.**

\*\*\*

در کاروان حج، مردی به همه خدمت می‌کرد. تر و فرز و چابک بود. سیمایی دوست‌داشتنی داشت، دست همه را می‌گرفت و در هر کاری پیش‌قدم بود. اهل کاروان از اینکه چنین همسفری یافته بودند، بسیار خوشحال بودند. در میان راه شخصی به کاروان برخورد، پرسید: «این مرد را می‌شناسید؟» گفتند: «نه. نمی‌شناسیمش، ولی خودخواسته به همه کمک می‌کند.» به محض اینکه آن شخص گفت «این غریبه، علی‌بن‌حسین (سلام‌الله‌علیهما) است»، کاروانیان آشفته به‌پاخاستند تا برای معذرت، دست و پای امام را ببوسند. وقتی مردم از ایشان بابت معرفی نکردن‌شان گله کردند، زین‌العابدین (سلام‌الله‌علیه) فرمودند: «مایلم همسفرانی انتخاب کنم که مرا نمی‌شناسند تا به سعادت خدمت رفقا نائل شوم.» آقایی خود را این‌گونه نشان بدهیم.

**سَيّدُ القَومِ خادِمُهُم في ‌السَّفَر**[[2]](#footnote-2)

آقا و سَرور قوم کسي است که در سفر خدمت‌گذار ايشان باشد

# ما و رسانه

## اصغر بلندگو

خدایی لقب خوبی بود. هر چیزی می‌شنید و از هر چیزی خبر می‌شد، همه‌جا جار می‌زد؛ حالا این خبر خالی‌بندی جدید رفیقش باشد یا جدیدترین بگومگوی خانوادگی. هدفش تنها انتقال اخبار بود، پناه بر خدا اگر ذره‌ای به آن‌ها فکر کرده باشد. باورکردنی نبود. مخ مخاطبش را می‌گذاشت در فرقون و تا جایی که نفس داشت می‌بردش. گاهی خودش هم باورش می‌شد و بعدها به همان راست و دروغ‌ها تکیه می‌کرد.

امروز که به اصغر بلندگو فکر می‌کنم، می‌بینم خیلی شبیه بعضی رسانه‌ها و البته خیلی از ماها بوده. یکی نبود به این اصغر بگوید: «آخه عزیز من! هر مزخرفی را که نمی‌شه منتشرش کرد. قبل از انتشار، یه سر ناخن فکر کن خب!» راستش را بخواهید، تقصیر امثال ما هم بود که به جای تذکر به اصغر بلندگوها، یا بهش خندیدیم یا از دستش فرار کردیم. این هم نتیجه‌اش!

# سؤالات

در محضر قرآن – پاداش زیارت کربلا که با ترس و احتمال ضرر انجام می‌شود، چگونه است؟

پاداشی مانند دیگر کارها دارد.

فقط خدا از پاداش آن آگاه است.

چنین کاری پاداش خاصی ندارد.

در محضر اهل‌بیت – در سفر، به‌خصوص سفرهای زیارتی، چگونه باید رفتار کنیم؟

تا می‌شود به احوال معنوی خود برسیم و کاری به دیگران نداشته باشیم.

استراحت کنیم تا دیگران کارهای‌مان را انجام دهند.

خادم همسفران و زائران باشیم تا مانند اهل‌بیت آقا و بزرگ بشویم.

ما و رسانه – وظیفۀ ما در برابر اخبار و اطلاعاتی که از هر طرف به ما می‌رسد چیست؟

بلافاصله آن را به همه خبر دهیم.

چیزهایی را که به نفع‌مان هست انتشار بدهیم.

بدون تحقیق هر خبری را نشر ندهیم و به کسانی که چنین کاری می‌کنند، تذکر بدهیم.

احکام: در زمان شنیدن اذان، چه کاری بهتر است؟

گوش دادن به اذان

تکرار جملاتی که می‌شنود

قرآن خواندن

یادداشت اول: سفر اربعین چه شباهتی به سفر دنیا دارد؟

در هر دو سفر، همه در راه رسیدن به محبوب سختی می‌کشند.

هر دو سفر بیهوده و بی‌فایده است.

برای هر دو سفر باید هزینه گزافی پرداخت کرد.

# پدر مهربان

## امنیت برای رشد

در فضای ناامن، آرزوهای بزرگ و آرمان‌های درخشان، در ذهن‌ها فراموش می‌شود؛ همه به فکرِ حفظِ امنیّتِ جانِ خود هستند. وقتی در کشور امنیّت هست، آن‌وقت این یک عرصه‌ای است، یک بستری است برای رشدِ همه عناصرِ رشدِ یک کشور و عناصر پیشرفت یک کشور.

امام خامنه‌ای، 03/08/1396

# برای دوستم چی بفرستم؟

یکی از پنج نشانه مؤمن زیارت اربعین است.

یادت نره!

با پای پیاده یا پای دل

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری

## خرمشهر را خدا آزاد کرد

وقتی شخصی از زحمات او تشکر می‌کرد، می‌گفت:

خرمشهر را خدا آزاد کرد!

یعنی من کاری نکرده‌ام؛ همه‌کاره خداست.

مدافع حریم اهل‌بیت، شهید محمدهادی ذوالفقاری

# یک پیشنهاد

## آفتاب صفین

**رمانی برای نوجوانان**

جنگ «صفین»؛ زمینه‌ها، تدابیر جنگی، توطئه‌ها، حکمیت و نتیجه وارونه آن

نویسنده: غلامرضا آبروی،  مؤسسه انتشارات حضور، قطع رقعی، چاپ دوم:  1393،  176 صفحه، 5500 تومان

# حکایت

## دوباره شروع می‌کنم

کارخانه‌دار در یک آتش‌سوزی کارخانه‌اش را از دست داد.

بیمه پول ناچیزی بابت این حادثه، به او داد.

مرد در حالی که تمام زندگی‌اش دود شده بود، گفت: «این فاجعه با ارزشی است! چرا که همه اشتباهات من در آن سوخت. خدا را شکر، می‌توانم دوباره شروع کنم!»

# یادداشت اول

##  اربعینت را وسعت بده

هر فردی سفر اربعینش را از آن چند روز وسعت ببخشد به اندازه عمرش و ملاقات خدا را جایگزین ملاقات حجتش کند، می‌بیند که سفر دنیا همان سفر اربعین است در ابعاد بزرگ‌تر. در واقع در سفر اربعین، مؤمنان هجرت می‌کنند به سوی حسین علیه‌السلام تا هجرت به سوی خدا را تمرین کرده باشند و آماده ملاقاتش شوند.

# احکام

## تو هم بگو

موقع اذان به مسجد رسیده و بی‌کار نشسته است. در حالی که بهتر است موقع شنیدن اذان، جملات آن را تکرار کند.

متن دقیق رساله در:

توضیح المسائل امام، مسئله 927

# چکیده در محضر قرآن

## پاداش پنهان

مزار سیدالشهداء (سلام‌الله‌علیه) بلافاصله پس از شهادت ایشان، مقصد زیارت مشتاقان شد. این زیارت با شکنجه و آزار و بی‌رحمی‌های وحشتناک دشمنان اهل‌بیت همراه بود. ولی شوق حسینیان بیشتر شد که کمتر نشد. جز خدا، کسی نمی‌داند این زیارتِ همراه ترس و ضرر چه پاداشی دارد.

**فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزاءً بِما کانُوا يَعْمَلُونَ[[3]](#footnote-3)**

قطعاً هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهایی که مایۀ خوشحالی آنان است، به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌داده‌اند، برای آنان پنهان داشته‌اند

# چکیدۀ در محضر اهل‌بیت

## آقایی در سفر

سفر زیارتی بهترین فرصت برای خدمت به بندگان خداست. امام زین‌العابدین (سلام‌الله‌علیه) در کاروان حج، ناشناس سفر می‌کردند و به تمام همسفران خود خدمت می‌کردند. ایشان خدمت به رفقای همسفر را برای خود سعادت می‌دانستند.

**سَيّدُ القَومِ خادِمُهُم في ‌السَّفَر**[[4]](#footnote-4)

آقا و سَرور قوم کسي است که در سفر خدمت‌گذار ايشان باشد

# چکیدۀ ما و رسانه

## اصغر بلندگو

دمش گرم هر کسی این لقب را بهش داده بود. هر چیزی را به گوشش می‌رسید، همه‌جا جار می‌زد. فرقی هم نمی‌کرد راست و دروغش. درست مثل بعضی رسانه‌ها و خیلی از ماها که بی‌تحقیق چیزی را نشر می‌دهیم. اصلاً تقصیر خودمان است که به اصغر بلندگوها تذکر نمی‌دهیم تا به این روز نیفتیم!

1. سجده 17 [↑](#footnote-ref-1)
2. رسول‌الله، المحجّة‌البَيضاء، ج 4، ص 61 [↑](#footnote-ref-2)
3. سجده 17 [↑](#footnote-ref-3)
4. رسول‌الله، المحجّة‌البَيضاء، ج 4، ص 61 [↑](#footnote-ref-4)